

بیت ۴: اشاره به «جوان مرد قصاب» افسانه‌ای که می‌گویند در زمان حضرت علی (ع) می‌زیسته است. در میان تهران و ری بارگاهی به نام او وجود دارد.

بیت ۵: داستان مرگان، همسر سلوچ در رمان «جای خالی سلوچ» از دولت آبادی.

بیت ۶: اشاره به زری، همسر یوسف در «سووشون» دانشور.

بیت ۷: تلمیح به مارال، معشوقه‌ی گل محمد در رمان «کلیدر» از دولت آبادی.

منابع

۱. ابومحبوب، احمد؛ زندگی و شعر حمید مصدق، چ اول، نشر ثالث، ۱۳۸۰.
۲. اسفندیار پور، هوشمند؛ عروسان سخن، چ اول، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
۳. احمد سلطانی، منیره؛ قصیده‌ی فنی، چ ۴، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
۴. احمدزاد، کامل؛ فنون ادبی، چ دوم، تهران، انتشارات پایا، ۱۳۷۴.
۵. الماسی، مهدی؛ هفت شهر عشق، چ اول، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی (انتشارات مدرسه)، ۱۳۷۱.
۶. انوری، حسن؛ صدای سخن عشق، چ چهارم، انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
۷. گزیده‌ی غزلیات سعدی، چ اول، شرکت چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
۸. حسین پور چافی، علی؛ بررسی و تحلیل سبک شخصی مولانا در غزلیات شمس، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۹. خرم‌شاهی، بهاء‌الدین؛ حافظ‌نامه (۱) و (۲)، چاپ شانزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۰. داد، سیمه؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، چ دوم، انتشارات مروارید، ۱۳۷۵.
۱۱. راستگو، سید محمد؛ هنر سخن‌آرایی (فن بدیع)، چ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۱۲. راشد محصل، محمدرضا؛ نشانه‌شناسی کاربرد قرآن و حدیث، چاپ اول، نشر روزگار، ۱۳۸۰.
۱۳. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ مفلس کیمیا فروش، چاپ دوم، انتشارات سخن، ۱۳۷۴.
۱۴. شمیسا، سیروس؛ فرهنگ تلمیحات، چاپ پنجم، انتشارات فردوس، ۱۳۷۵.
۱۵. گزیده‌ی غزلیات مولوی، چاپ اول، نشر بنیاد، ۱۳۶۸.
۱۶. نگاهی تازه به بدیع، چاپ چهاردهم، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
۱۷. فشارکی، محمد؛ نقد بدیع، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۱۸. کزازی، میرجلال‌الدین؛ رخسار صبح، چاپ سوم، کتاب ماد (نشر مرکز)، ۱۳۷۴.
۱۹. گروهی از مؤلفان؛ بدیع و قافیه و عروض (برای دوره‌ی دوم ادبی دبیرستان)، شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۵۰.
۲۰. ماهیار، عباس؛ گزیده‌ی اشعار خاقانی، چ اول، نشر قطره، ۱۳۷۲.
۲۱. محمدی، محمدحسین؛ آوازه‌های سرمنای، چ اول، نشر میترا، ۱۳۸۲.
۲۲. فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، چاپ اول، نشر میترا، ۱۳۷۴.
۲۳. نیکنام، غلامحسین؛ در آینه‌ی خیال (سبک‌شناسی غزل غالب)، چاپ اول، آمل، انتشارات طالب آملی، ۱۳۸۲.
۲۴. وحیدیان کامیار، تقی؛ بدیع، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۲۵. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ چهارم، مؤسسه‌ی نشر هما، ۱۳۶۷.
۲۶. یاحقی، محمد جعفر؛ فرهنگ اساطیر، چاپ دوم، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

رمضان آهنگری کیاسری

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی

و دبیر دبیرستان‌های ساری

چکیده

مؤلف به دلیل کوتاهی توضیحات کتاب آرایه‌های ادبی، در این مقاله با ارائه‌ی دسته‌بندی جدیدی از متناقض‌نمایی به همراه شواهد کافی، بحث را گسترش داده است. برای سهولت یادگیری، نمونه‌ها را براساس واحدهای زبانی از کوچک به بزرگ تقسیم کرده و برای هر یک مصادیقی از متون ادبی ارائه داده است.

کلید واژه‌ها:

تناقض، متناقض‌نمایی، ساخت‌ها.

مقدمه

بخش وسیعی از زیبایی‌ها و نوآوری‌های زبان ادبی نتیجه‌ی شکستن ساختارهای زبانی و عادت‌های ذهنی و گریز از قید و بندهای سنتی است. گاهی با گسترش مصداق‌های یک هنر ضرورت بازنگری به تعریف‌ها احساس می‌شود.

از جمله آرایه‌های نوظهور و قابل طرح و ارزیابی در هنرهای ادبی صنعت تناقض یا متناقض‌نماست که طرح آن در کتاب‌های آرایه‌های ادبی کاملاً جدید است. ظاهراً نخستین کسی که این آرایه را در ادبیات فارسی طرح کرده، محمدرضا شفیع کدکنی بوده است.

کسانی که در عرصه‌ی ادبیات تحقیق می‌کنند، با توجه به زبان و سبک خاص این هنر، کاملاً آگاه‌اند که تعریف‌های ارائه شده در موضوعات علم ادبیات، همواره خلل‌پذیرند و با جامعیت و مانعیت لازم همراه نیستند. علت اصلی این امر به ماهیت علم ادبیات برمی‌گردد. چرا که در تعریف‌ها، واژه‌ها در



تأملی بر آرایه‌های متناقض‌نماست

شروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از جمله
آرایه‌های
نوظهور و قابل
طرح و ارزیابی
در هنرهای
ادبی صنعت
متناقض‌نماست
که طرح آن
در کتاب‌های
آرایه‌های ادبی
کاملاً جدید است

آرایه‌ی تناقض در کتاب‌های دوره‌ی متوسطه بسیار سطحی و مبتدی معرفی شده است؛ «هنگامی که واژه‌ی دوم از لحاظ معنایی عقلاً و منطقاً ناقض معنی واژه‌ی اول باشد، این آرایه دیده می‌شود.» این تعریف در بخش ترکیب‌ها و گروه‌های اسمی تاحدودی نمونه‌ها را پوشش می‌دهد اما هنگامی که اسنادها متناقض باشند یا جمله‌هایی آورده شود که علت‌ها و معلول‌ها در آن‌ها عادتاً و عقلاً متناقض و ناپذیرفتنی باشد، گستردگی این آرایه در مقیاس بالایی خودنمایی می‌کند. در حالی که هیچ تعریف و توضیحی در این بخش برای خواننده نیامده است.

ما برای روشنی و سهولت کار نمونه‌ها را براساس واحدهای زبانی به دو گروه تقسیم کرده‌ایم. سپس تقسیمات جزئی‌تر را براساس ساخت‌های دستوری و بیانی به همراه شاهد مثال آورده‌ایم.

معنی علمی خود به کار می‌روند و زبان تعریف‌ها ویژگی‌های زبان علمی را دارد و نتیجه‌ی یک ذهن منطقی و قاعده‌مند است. در حالی که مصادیق این تعریف‌ها در زبان هنری نه آفریده‌ی یک ذهن منطقی و نه مقید به حدود و ثغور تعریف‌های تعیین شده است. از طرفی، در ادبیات زیبایی‌ها در مستی‌هاست و هر اثری که سرریز احساسات باشد و از مصلحت‌بینی‌های عقلی دور تر باشد، زیباتر، دل‌نشین‌تر و اثرگذارتر است.

هنر زاده‌ی احساس است و تعریف‌ها زاده‌ی عقل و خرد منظم و دقیق. اصولاً تعریف‌های ارائه شده استقرایی هستند؛ در حالی که گستردگی زبان هنری به وسعت تصورات و تخیلات فرد فرد جامعه بشری وابسته است و این تعریف‌ها نمی‌تواند همه‌ی مصادیق زبان هنری را پوشش دهد.

الف) تناقض در گروه‌های اسمی:

۱. تناقض در ساختمان اسم‌ها و صفت‌های مرکب: خراب‌آباد، تاریک روشن.
۲. تناقض در ترکیب‌های وصفی: آرامشی طوفانی، فریاد بی‌صدا.
۳. تناقض در ترکیب‌های اضافی: فریاد سکوت، شولای عریانی، دولت فقر، شرم سرافرازی.
۴. به همراه وابسته‌های متممی: پر از خالی، از تهی سرشار، معراج زیا افتادن.

ب: تناقض در جمله:

۱. اسناد هم‌زمان دو صفت متضاد به یک موصوف، چه با تشبیه و چه بدون تشبیه:

- قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی
قند تویی زهر تویی بیش میازار مرا
- دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی
پخته تویی خام تویی خام بمگذار مرا (غزلیات شمس)
(تو لطف و قهر، قند و زهر، پخته و خام هستی)
- هم‌چو نی زهری و تریاکی که دید
هم‌چو نی دم‌ساز و مشتاقی که دید
(منثوی مولوی)
(نی زهر و پادزهر است)
- مستی و هوشیاری و راهی و رهزنی
ابری و آفتابی و تاریک روشنی
ای هرگز و همیشه و نزدیک و دیر و دور
در هر کجا و هیچ‌کجا در چه مأمی
در مسجدی و گوشه‌ی میخانه‌ات پناه
آلوده‌ی شرابی و پاکیزه دامن

(شفیعی کدکنی، هزاره‌ی دوم آهوی کوهی)

۲. توصیف‌های همراه با تشبیه‌های بلیغ اسنادی، در حالی که این اسنادهای اغراق‌آمیز با تناقض همراه باشند.

- مادر سنگ‌دلت تا زنده است
شهد در کام من و توست شرنگ (ایرج میرزا)
(شهد شرنگ است)
- سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد
دلبر که در کف او موم است سنگ خارا (حافظ)
(سنگ خارا موم است)

۳. جمله‌های خبری که عقلاً و عادتاً با تجربیات ما در تعارض باشند:

- این باده‌ای که محتسب شهر
در کوچه‌ها می‌فروشد و ارزان/ غیر از خمار هیچ نخواهی دید
(شفیعی کدکنی، در کوچه باغ‌های نیشابور)
(محتسب باده می‌فروشد.)

باید بدانیم
که تناقض با
متناقض‌نما
مترادف نیست و
بهتر است که در
این مقام بیش‌تر
متناقض‌نما را به
کار ببریم؛ زیرا
بخش وسیعی از
این برداشت‌های
تناقضی نتیجه‌ی
تصور ابتدایی و
سطحی ماست که
از تضاد معنایی
دو واژه در کنار
هم به ذهن می‌آید
و هرچه دقت
منطقی ما بیش‌تر
می‌شود، از معنای
تناقض‌آمیز آن
کاسته می‌شود

- آن که هلاک من همی خواهد و من سلامتش
هر چه کند به شاهده‌ی، کس نکند ملامتش (سعدی، غزلیات)
- دوست دارم و دانم که تویی دشمن جانم
از چه با دشمن جانم شده‌ام دوست، ندانم (عماد خراسانی)
(من دشمن جانم را دوست دارم و سلامتش را می‌خواهم)
- می‌خورم جام غمی هر دم به شادی رخت
خرم آن کس کو بدین غم شادمانی می‌کند (سلمان ساوجی)
(برای شادی غم می‌خورم و با این غم شادی می‌کنم.)
- ادب از که آموختی از بی‌ادبان. (گلستان سعدی)

روی تابلوی هشدار جاده‌ها آمده است:

- عجله وقت شما را هدر می‌دهد.

باید بدانیم که تناقض با متناقض‌نما مترادف نیست و بهتر است که در این مقام بیش‌تر متناقض‌نما را به کار ببریم؛ زیرا بخش وسیعی از این برداشت‌های تناقضی نتیجه‌ی تصور ابتدایی و سطحی ماست که از تضاد معنایی دو واژه در کنار هم به ذهن می‌آید و هرچه دقت منطقی ما بیش‌تر می‌شود، از معنای تناقض‌آمیز آن کاسته می‌شود.

برای مثال در این بیت سعدی:

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

با توجه به توضیح شاعر در مصراع دوم، روشن است که صفت غایب برای حاضر نیست^۱ بلکه موصوف‌های دو صفت متفاوت‌اند. صفت حاضر برای جسم و وجود شاعر، و صفت غایب، برای دل و حواس اوست.

یا در نمونه‌ی دیگر از اخوان: از تهی سرشار ...

تناقض دریافت شده عمدتاً از تضاد معنایی دو واژه در کنار هم به ذهن می‌آید و شاعر در عمق کلام، بر پوچی عمر خود تأسف می‌خورد؛ عمری که سرشار از بی‌ثمری است.

پی‌نوشت

۱. در کتاب آرایه‌ی ادبی سال سوم آمده است: «غایب، صفت حاضر واقع شده است و انسانی که حاضر است نمی‌تواند غایب باشد و این دو صفت متناقض‌اند...»

منابع

۱. آرایه‌ی ادبی سال سوم نظام جدید رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی.
۲. ادبیات فارسی عمومی (۲) سال دوم آموزش متوسطه.
۳. خطیب رهبر، خلیل؛ دیوان غزلیات سعدی، انتشارات سعدی، ۱۳۶۶.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ گزیده‌ی غزلیات شمس، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ هزاره‌ی دوم آهوی کوهی، نشر کارنامه، ۱۳۷۶.